

گفته که روزی بخانه سری دو آمد و خانه خود را می رفت نشسته و این بیت میخواند  
و میگوید **سفر لای التهار ولا فی اللیل الحج** فلما بالی اطل اللیل  
فی شب تقسیم نه روز ناله و آه **خواه شب من دران خواهی کونه** سری  
در وقتی که خضر بود جنید را گفت اباک وصحبة الاشرار ولا قطع عن الله صحبة  
الاضرار شیخ الاسلام گفت که جنید گفته و می پند سری سقط بودم نشسته  
قوی بر در سری وی بود نشسته سری را گفت کبست بر در سری هیچ بیکانه  
گفتند روزی است همی که از بیجو بد گفت ویران جوان خوانده سری با وی  
در سخن آمد و در بیان و سخن چنان باریک شد که من هیچ بد نیافتم زنگ دل گفتم  
و آخر سری گفت شاگردی که کرده گفت بهره مرا استاد است که فریض مرا بوی در یابد  
آموخت اما علم توحید و سرانجامین یکتا سری گفت تا این علم بدست آید  
بود همه جای بود چون اخبار رسد هیچ جای نیایی سری گفته معرفت زبا لا یوم  
آید چون مرغ پر و لکنتان نادی پسند که ایجاد نشود و حیا انخاف و آید  
و هر وی گفته بیا به المعرفة تجرید النفس للیتیر بالحق و هر وی گفته من زین  
للتاس بالیسف سقط من عین الله عزوجل و هر وی گفته در طرسوس پمار  
شاه جمعی از کمان جانان قریان بعباد من آمدند و چندان بلشتند که من آرا  
یافتم و ملول شدم بعد از آن از من استند دعا دعا کردند من در داشتم و گفتم اللهم  
هاتنا کین فعمو بالمرضی جنید گفت روزی بر سری سقط و کله در سر کار می بود

Handwritten marginal notes on the right side of the page, including dates and commentary.

آنها ساختیم و پیش وی رفتیم کاغذ پاره بمزید در وی نوشتیم سمعت حاد یاجید  
وفی الباذیه و یقول **شکر ابکی و ما یدیک بیکین** ابکی خدایان تقاضی  
و نفعی جید و تهری علی بن عبد الحمید **الغضاری رحمته** از منقاد به ان شیخ  
له الاحوال البیعة و الاعمال الرفع و کان یعد من الابدال وی کوی که در خاد  
سری کوفته شنیده که می گفت اللهم من شغبتک عنک فاشغله بک عنی  
اینکه دعای وی حق سبحانه و تعالی بر لجهل حج پیاده از حک روزی کرد **ابو محمد**  
**ساک روح الله** وی بعد از اینست از مشایخ سری سقطی من وی و منقطع و بعد  
بوده است جنب گوید که از سری شنیده که گفت روزی بوجوه سماک بر در آمد  
دید که نزدیک من جوی نشسته اند بنشیند و بنشیند پس من بگریست و گفتم یا سری  
صبرت متاع الباطلین و باذکشت و اجتناع اجتماع را کرد من نه پسند با **ابو محمد**  
**خضر و البلی قدس الله سره** از طبقه اوله است کبیت او و جامه است از  
بزرگان مشایخ خراسان است از طبع بوده با او تزلزل نمی و جامه اصم صحبت داشته  
بود و ابراهیم از هم را دیده بود وی گوید که ابراهیم از هم گفت انقوبه هی الیوم  
الحا لله بصفاء السرا نظیران با برید و ابو حفص حداد است در سفر حج ابو حفص  
زیارت کرد در نیشابور و با برید و ابو حفص را گفت که از بر خطا یافه  
که از بر کز بریدی گفت از ابراهیم خضر و بیه بن کز نه بد به بهمتت و صدق احوال شخصی  
مطلب و صحبتی که گفت آیت فساد شخصی و هر وی گفته الطیرون

Handwritten marginal notes on the left side of the page, including dates and commentary.